

« فیزیکی جامعه‌شناسی »

جامعه‌شناسی: علم تجربی است. دانش علم مطالعه برپایهٔ ۲. معیار اجتماعی است. به عبارت دیگر

جامعه‌شناسی دانش مطالعه رفتارها اجتماعی انسان است.

اهمیت جامعه‌شناسی و
→ نظریهٔ تحول (تئوری)
→ علمی (کاربرد)

دادن بصیرت جامعه‌شناسانه یعنی فهم و درک عامیانه و روزمره را تبدیل به فهم و نگاه عالمانه می‌کند.

۱) مهم‌ترین نکته در مورد جامعه‌شناسی: احساس تعداد تکلیف علمی را در فرد تقویت می‌کند به این معنا که فرد را
۱۰ از دایره‌های شخصی یا جهت‌گیری‌های متغیری مانع یا علایق شخصی جدا می‌کند و این نهاد را به درجه وجود
آوردیم. محضاً در مقابل عالم و در چهارچوب پیش و روش علمی به واقعیت‌های اجتماعی توجه می‌کند.

۲) آگاه کردن ما نسبت به پدیده‌های اجتماعی رفتارها و عادات اجتماعی کنش‌های فردی ما را به ما می‌آموزد.

۳) آنچه ما را نسبت به محیط اجتماعی آفرینی می‌دهد از طریق یادآوری اطلاعات داده‌ها و آمارها مربوط
به محیط اجتماعی در واقع جامعه‌شناسی به ما کمک می‌کند که با استفاده از روش علمی درکی عالمانه از محیط بی‌اعتماد
خود داشته باشیم.

• جامعه‌شناسی به ما را جمع به ساختارها اجتماعی و تأثیراتی که این ساختارها بر رفتار ما دارند و بالعکس تأثیر
۲۰ رفتارهای فردی بر ساختار اجتماعی ثبات آموزنده‌ای را منتقل می‌کند.

ساختار: عبارت است از عناصر یک نظام و نحوه ارتباط آنها. پایه میان آن عناصر فعلی ساختارهای

۱. ساختار
رفتار افراد متأثر از دو متغیر است و
۲. فرهنگ

ساختار تا حدود زیادی رفتار و اعمال ما را مشخص می‌کند که بخش از آن شامل قوانین می‌باشد.

هدف جامعه‌شناسی: آن چه انتخاب می‌دهیم، رفتارها خود خواسته و مفید نیست و برخاسته از ساختارها
موضوع و اجتماعی ماست.

جامعه‌شناسی: قنای و انتهای هست قدر آن نیست حاکم می‌باشد.

نظریه‌ها ماکس وبر:

۱. کنش عقلانی: کج و اساس رابطه این وسیله و هدف انتخاب می‌شود.
۲. کنش عاطفی: کنشی که هنگام انتخاب به عقل یا تنگ تو جوی می‌شود و به صورت و کنشی انتخاب می‌شود.
۳. کنش سنتی: ریشه در عتاید رفتار دارد به این دلیل انتخاب می‌شود که قدرت‌نشان آن را انتخاب می‌دادند.
۴. کنش ارزشی: معطوف به ارزش کنش عملی است و ای تحقیق یا حفظ یک ارزش که کنش عقلانی معطوف
به ارزش است. مانند: یک روز صندلی و خود را به خطر می‌اندازد تا کسی را نجات دهد.

تعریف کنش عقلانی: عبارت است از انتخاب بهترین وسیله برای دستیابی به هدف.

عرف: آن شیوه یا الگوی رفتاری رایج که در عین حال فاقد ضمانت اجرایی است که تفسیر دیگری از
نت است. عرف می‌شود به معنی.

(ضمانت اجرا همانند ارزش اجتماعی است) (قانون تقسیم رسمی ارزشها است)

هنگام کنش چیست و نپذیرفتن و دردی نکردن ارزشها
عمل نکردن نظامهای کنش به نحوی مؤثر

هست جامعه‌شناسی و خودشناسی، جامعه‌شناسی به ما قوی از خود به عنوان عنصر اجتماعی یا کنشی
اجتماعی می‌دهد این که طایفه عنوان افرادی که در جامعه زیست یا زندگی می‌کنیم هم از جامعه تأثیر می‌پذیریم و
همی جامعه تأثیر می‌گذاریم.

فرايه علي جامعه سياسي

۱- در حوزه عمل يا کاريت جامعه سياسي: اولاً: يا جنبه ها اجتماعي سياست قذافي ها دولتي به سياست قذافي ايد آوري مي کند به اين معني که در هر فوايه تصميم گيري در حوزه هاي مختلف اقتصادي سياسي بايه به ابعاد و آثار اجتماعي سياست قذافي ها توجه مي کند.

دوماً: هر سياست قذافي صرفاً عواطف اجتماعي خواهد داشت مثل توجه بک آپايران نشيني بناي اين به لحاظ علي غايه و جامعه سياسي اين است که به جنبه سياست قذافي ها مآوره مي دهد اين جامعه سياسي است که راجع به عوارض اجتماعي به سياست قذافي ها مآوره مي دهد.

۲- در قديمين سياست ها عموم: در جهت اصلاح اجتماعي يا لاهسي و مقابله با مشکلات اجتماعي و تضيق سياسي يا تصميم گيري مي کند و به عبارت ديگر جامعه سياسي عالمانه و واقع بينانه مسائل اجتماعي به مديريت اجتماعي کمک مي کند تا اقدامات درست و فاسدي را در جهت اصلاح امور اتخاذ بکند معمولاً تضيق سياسي يا دولتي ايشي به مثبت و فاسد جلوه دار آن شرايط عمومي جامعه هستند و به نصيحت ايشي مي کنند که منکي نلير ساماني يا اختلافات اجتماعي موجود شود.

۱۵ جامعه سياسي به عنوان کيد عالم و فاخر از جهت ليري ها سياسي يا طبقاتي مي تواند با فهم درست و وضيت

اجتماعي تضيقان حاکم را در جهت دستايي واقع بينانه نه شرايط موجودياري کند. آنچه که ما احساس مي کنيم يا فکري کينم تحت تأثير وضيت است.

۲۰ در کمال از سياست باقوم به طبقات اجتماعي است. فقط کسبي مي تواند درست درک کنند آن هم روشن فکران هستند که قدرتمندان مي توانند تقاد خوبی با رند زير اخذ باعث شکل گيري آن وضيت هستند پس اين همه جامعه سياسي و روشن فکران هستند که عصاره به تضيقان سياست مي دهند بايت مشکلات جامعه.

۲۵ انواع جامعه سياسي
۱- دور طغي (دولايه): جامعه اکتشامل قدرت (دولت) شهودندان و افراد هستند که رابطه ي بجا و راسخ دارد.

۲- به رطغي (بر لايه): جامعه اي اکتشامل حوصت و شهودندان و در بين اين در لايه اي است که قدرتي ناک دارد.

جامعه مدنی: مردمی آن نهادها - گروه نزدیکها - انجمن‌ها - تشکل‌ها - رسانه‌ها و ... که حائل بین حکومت و افراد هستند که کارگزاران، قدرت را از میان دیکتاتوری نجات می‌دهد. این گونه مانع مطلق می‌شود که مطالبات خواسته‌های اجتماعی را از سطح افراد انتقال می‌دهند به حکومت یعنی با خواست مطالبات اجتماعی حکومت کنترل و علما را اعمال می‌کنند و حکومت را وادار می‌کنند که رفتار را همواره مورد بازبینی قرار دهد به عبارت دیگر جامعه‌ی مدنی با افراد است در مقابل حکومت.

- یک دولت وقتی به سمت دیکتاتور می‌رود که جامعه‌ی مدنی تضعیف می‌شود.

دولت تنها نهادی است که حق مشروع استفاده از زور را دارد. این امکان داده می‌شود که مطالبات مردم به شیوه مدنی بیان شود.

باب ۳ کارکرد ها مطالبات اجتماعی را به دولت انتقال می‌دهد.

آنگی جامعه مدنی وجود نداشته باشد مطالبات مدنی به صورت غیر مدنی بروز می‌شود که باعث اختلال می‌شود پس برای مردم و دولت مفید است.

۱- مردم به این ساز استناد

به جامعه مدنی:

۲- دولت به اصلاح نخبه‌ها و ضابطه

جامعه مدنی: به لحاظ مالی، سیاسی، شکلی و سازمانی استقلال از دولت است.

۱- گروه + فشار + تلاش + فشار + یادداشت حکایت با اصلاح رفتار
۲- حزب + مشارکت در تصمیمات سیاسی و کتب قدرت

تأثیرات: انتقال قدرت غیر مافوق مدنی است.

است که تلاش با کتب قدرت در چهار چوبی به صورت افلاتی دی‌ای بار.

جامعه‌شناسان با ۴ تا ۵ سوال روی هستند:

۱- سوالات واقعی: مربوط است به واقعیت موجود. می‌خواهند بدانند در جامعه چه می‌گذرد.

۲- سوالات کنونی: مربوط است به تغییرات اجتماعی فعلی: فکری که شمرنی در ایران

۳- سوالات تطبیقی: هدف این است که جامعه مورد نظر را از طریق مقایسه با یک جامعه مشابه یا از
مشابه مورد مطالعه می‌دهد. مثلاً: هویت جامعه شمری مورد مقایسه با هویت جامعه یونانی یا ایرانی
که معلولاً برای این جامعه می‌شوند. نشان دهند تأثیر دو نوع جامعه بر آن موضوع مورد مطالعه چیست است.
۱۰ فصل دوم شمرنی با رویکردهای جدید کار، تحلیل و... می‌گذارد.

۴- سوالات نظری: ارتباط مستقیم با واقعیت ندارد یا به عبارت دیگر نظریه یک واقعیت مشخص در یک
زمان یا مکان مشخص نیست. این سوالات از نوع تحلیل و بررسی نظری و عقلی است. در واقع پاسخ
به سوالات نظری به دوین نظریات علمی منجر می‌شود. فصل دوم شمرنی در مورد خودکشی

۱۵ نظریه ماکس وبر پیدایش سرمایه‌داری است. نظریه ماکس طبقات اجتماعی در جامعه سرمایه
داری به این ترتیب پاسخ می‌دهد که سوالات نظری داده می‌شود عبارت خواهد بود از نظریاتی که این نظریات
بعداً برای توضیح و تبیین برخی‌های اجتماعی خاص به کار می‌آید. همان‌طور که نظریه ماکس وبر
خودکشی به وسیله محققان یکی قابل استفاده بوده است تا به وسیله خودکشی در جوامع
۲۰ مختلف و در زمانهای گوناگون مورد مطالعه قرار گیرد.

جامعه‌شناسان به عنوان علم: آیا جامعه‌شناسی علم است و اگر هست به چه معنا؟

بعضی می‌گویند علم نیست و هیچ‌وقت نباید باشد ولی برخی هم معتقدند که علم هستند

عابری پاسخ می‌دهد که این سوال علم را تعریف کنیم: علم نوعی معرفت است بر مبنای تجربه.

۲۵ هدف از علم چیست؟ می‌باید دنبال پژوهش علمی می‌رویم. هدف از علم شناخت قوانین حاکم بر طبیعت

و در نظریه طبیعت رفتاری است. این کار است و هدف از آن کشف علم است. علم صفتی است که منزه است

عصبی یا احساسی است که ماس خالص است که می‌کند.

و قضا که و از وی علم را تقریف می‌کنیم باید کاری کنیم قبول داریم که رابطی بین پدیده ها وجود دارد و این رابطه قانون است که دعاها درست از همین جا شروع می‌شود. انرا دی که قبول ندارند حاصل مفاهیمی عدم نیست. این چنین استدلال می‌کنند که در رابطی انسانی قانونی وجود ندارد و اما در طبیعت دارد زیرا در طبیعت انبیا و اسیر رابطی قانون مندند. مثلاً آب در ۱۰۰ درجه جوش می‌آید به خاطر نظم جبری که بر انبیا حکام است.

در علوم طبیعی و اجتماعی قوانین دو حالت دارد:

یکی: وقتی یک قانون نقض می‌شود رد می‌شود. تَیْذُ بَکْهَ سَوَاحِشُ دُنْ

عجای: قوانین تصنیف می‌شود و بی‌رد نمی‌شود. بَدِیْنِکْ بَکْهَ سَوَاحِشُ دُنْ

اما در طبیعت با انبیا تابع مطلق می‌ایم.

اما در اجتماع با انسان‌ها یا سوکار داریم که تابع و اسیر رابطی ما جبری نیستند به عبارت دیگر موضوع مادر علوم اجتماعی رفتار انسان‌ها است که در طول زمان و در مقیاس مکان تنوع و تفاوت پیدا می‌کنند در اینجا چیزی به اسم کسب وجود ندارد.

نیم مندرکین علوم اجتماعی: به علت آن است که با انسان‌ها یا سوکار داریم که دارای اختیارند و تابع طبیعت نیستند بنابر این قانون وجود ندارد و نمی‌توان به آن دست پیدا کرد.

۱- از منطقی روشی انجاکم پذیرد
و ام‌توان گفت علوم اجتماعی علم است و ۲۲ دفاع وجود دارد.

۲- از منطقی نیست انجاکم پذیرد.
نیم اولی: موافقان می‌گویند که علم اجتماعی، اقتصاد علم جامعه و ... از همان روشی‌های استفاده می‌کنند.

ماهیتاً تفاوتی با علم طبیعی ندارند. که روشش، مشاهده طبیعی مقابل تکرار و ...

کشف دستورالعمل جامعه نیست
فقط تکرار و تکرار
بلکه کاملاً انجاکم‌گراست
علمی را به گونه که در آن

ویدی روش اندازه گیری و سنجش است.

وقتی رابطه ای بین دو متغیر را می توان نشان داد که میزان تغییر مقیسات را اندازه گیری کرد.
روش های کو ماب کلمه می بینم تفاوتی با علوم انسانی ندارد.

- علوم اجتماعی به طور مبنای از همان روش های استفاده می کند که در علوم طبیعی مورد استفاده قرار می گیرد. مبنای

این روش عبارت است از: اندازه گیری و سنجش. یعنی در علوم اجتماعی عالم اشیاء را می سازد و بنا

اندازه گیری به وسیله محاسبات متغیرهای مورد مطالعه خود را که در عین حال توجه به علمی تا حدود زیادی همان

روش های را دارد که در علوم طبیعی حاکم است. یعنی توجه به تکرار پذیری و همگانی عمل و سنجش و محاسبه

۲- توضیح دوم: انسان و آن قوانین پایه را نخواهد بود که بسیار درست است؟ انسان ها در عین حقیقت ها

مختلف تحت تأثیر شرایط رفتارشان با هم متفاوت است. ضمن پذیرش به اختیار داشتن تکرار

انسان این نیست و نهی است مطلق نیست.

یعنی نشان می تواند بگوید که در رفتارها اجتماعی انسان ها هیچ شباهت و تکراری نمی بینم.

مادر علوم اجتماعی می توانیم به تعریفها و تقسیم های نسبی که آماری نمی هستند. یعنی مابین همواره انتظار

داشتن با نسبی که تئوری مابین یک تحقیق خواص نقص شود یا تصعیف شود.

نقص یک تئوری در تحقیق ارزش رازی سوال این است که یک بار هم در تمام جامع که می گذرد

مسئله است یک تئوری در شرایط مختلف استعمال شود و نقص شود.

و نظریه در علم و پی رهنش و

وجود نظریه چیست بر مبنای این با نظریه آکسوسوم و خود مفهوم نظریه بیانی رابطی بین مفاهیم
هست و در واقع نظریه یک چارچوب است از روابط بین مفاهیم و پدیده ها.

و فایده دارد ۱- منظور از معنی یا حقیقت

۲- از متلودرون علم (خود علم)

در علم نظریه بین مفاهیم اصلی در هر قلمرو علمی، فیزیکی رابطه منطقی و تعلقاتی برقرار می کند در حالی

که هیچ نظریه وجود ندارد که این مفاهیم و موضوعاتی که پایه های یک علم را تشکیل می دهند بجز به

هیچ آنگاه و فاقد معنای مشخص تبدیل می شود. مثلاً در جامعه شناسی این مفاهیم مثل گروه و کنش

آ، خود کنش، مشارکت و... برپوشش یک چارچوب نظری مشخص قرار می گیرند و این مفاهیم بی

فایده تبدیل خواهند شد در واقع نظریه به هر شاخه ای علمی فیزیکی وحدت و یکپارچگی دردی می بیند و

بر می خورد مفاهیم اساسی که علم از طریق رابطه منطقی و استدلالتی می تواند مفاهیم را بنا کند

حال داده ها اطلاعات مربوط به واقعیت اجتماعی آنی در چارچوب یک نظریه یا مشخص قرار

نمی تواند هیچ توضیحی در باره واقعیات اجتماعی در اختیار ما نمی دهند و صرفاً تبدیل به اعداد و ارقام

می خواهند که می تواند صرفاً ناشی از اتفاق یا حادثه باشد.

۱۲ از منطقی یا توصیفی یا تحقیقی و در انجام هر پژوهش علمی معمولاً در تمام اعلی وجود دارد و در واقع هر تحقیق باید به

در سوال پاسخ دهد: اولاً توصیف واقعیت (یعنی بیان واقعیت آن چنان که وجود دارد) و ثانیاً تبیین واقعیت

(یعنی محقق باید به چای و چگونگی رخ داد یا واقعیت توجه کند و آن را توضیح دهد) در واقع تبیین در علم تجربی

بجای است از پاسخ به علل و دلایل منجر به وجود واقعیت. در این مقام پژوهشگر باید بتواند علل و

عوامل مؤثر بر شکل گیری واقعیت را توضیح دهد. نظریه عمدتاً در تبیین مورد استفاده می باشد.

در واقع نظریه از طریق ایجاد ارتباط منطقی بین متغیرها به محقق کمک می کند که از میان واقعیتها و عوامل

بسیاری که می تواند بر پدیده مورد نظر تأثیر گذار باشد دست به انتخاب بزند به عبارت دیگر

صرفاً به سراغ متغیرهای مورد نظر از دل تئوری استخراج شده است. به این ترتیب تئوری محقق را از سرد

تجرباتی در میان انبوه متغیرها و عوامل رها می کند و مسیر تحقیق را برای محقق روشن می سازد.

نظریه هایی که مورد مطالعه قرار خواهند گرفت، نظریه مبادله صورت می گیرد که در آن به نظریه کنش متقابل بنامین

خواصیم پرداخته و بعد آن نظریه جامعه شناسی کارکردی و بعد از آن جامعه شناسی به تئوری اقتدار

بزرگ جامعه شناسان و علم جامعه شناسی }
مارکس
دورکیم
ماکس وبر

اما نقد این اشکال به حائضه تناسلی زنهای یهود منسب و محدود دارد که عبارت است:

- تعلیل رفتار اجتماعی انسان به عامل انگیزه و پاداش، و به نحوی تبیین رفتار حیوانیه انسانی به رفتار

لب جهان حیوانی یا جهان حیوانات.

مباحث موجود در روانشناسی: سوال: چرا انسان را تبیین به حیوان که فقط قصد لذت بردن است

نفع هوشتد به وقتی عامر تویم انسان رفتار را اینجا می دهد که بجای لذت دارد این پاداش صرفاً

است.

این به یاد به گاد عادل به کارهای را طوری توضیح می دهیم که بجای فرد هنرنمایی به خلوت انداختن

میگفت است از پاداش هنری کارهای پس خود کار را اینجا می دهد.

و در مورد مباحث هوشتد و لایق نظریه های علم، معلوم و خوب، ماهیستی چهار خوب و تدریس خوب و درسی

بش آن قدم فایده تغییر نیاند و مورد متعارض را می توانند به طور هنرمندی تأیید کنند. (و بعضی بانه)

نظریه تری رفتار است. مثل: شدت در یک مبارکت و یا عدم مبارکت

ل به هر فکر ضد و نقیضی را می توان با مفهوم پاداش توضیح داد.

کنش متقابل نمادین: Symbolic Interactionism به نمادین برای نمادین

آن چیزی که در جای چیز دیگری می‌نشیند یا جایگزین چیز دیگری می‌شود. به طوری که وقتی نمادین را با این معنی
معنا مفهوم خاص به ما منتقل شود.

۱- خود آن نماد (دال)

۲- مدلول به معنای دال بر آن دالالت می‌دهد.

۳- رابطه به رابطه بین دال و مدلول یعنی وقتی دال را
بنیاد مدلول یا دال می‌بیند.

تعریف نماد عبارت است از نشانه که جایگزین معنای خود. مثل: علائم راهنمایی راهنمایی - زبان

جامعه‌شناسان می‌گویند انسانها در جهانی اینها سازندگی می‌کنند. یعنی ما با استفاده از نمادها فکری می‌کنیم و با

استفاده از نمادها ارتباطی قرار می‌دهیم. در واقع وجود نمادها مستلزم این امکان برای انسان فراهم

می‌کند که بدون وجود خودی در مورد خود آن نشانه سخن بگویم. و با استفاده از نمادها با دیگری و جهان

ارتباطی قرار می‌دهیم. نمادها قراردادی هستند. یعنی انسانها توافق می‌کنند که با هر واقعه یا پدیده یا
معنای خاصی نماد یا نمادهای خاص ارتباط برقرار بکنند.

زبان و زبان عبارت است از مفاهیم و قواعد. زبان به عنوان فزاینده‌ترین، پیچیده‌ترین و مهم‌ترین

در نگاه نمادین موصول توافق یا قراردادی میان افراد یک جامعه یا گروه اجتماعی است.

۱- نمادها علامتی به زبان (زبان مکتوب و زبان شفاهی)

۲- نمادهای فیزیکی یا فیزی (مثل علائم راهنمایی - لباس مشکی)

۳- نمادهای زبانی (مثل کلمه جامه گل سفید نماد زیبایی است)

۴- نمادهای اندامی یا gesture (قمار اندامی - ضربه)

فخر از اصلی مکتب کنش متقابل نادین چیست؟ اینها در یک محیط اجتماعی براساس توانج جمعی نادرهای
مهر سازند و براساس این نادرها متحرک و با تغییر متحرک از این نادرها دارند روابط میان خود را
ایم که نادر و براساس این تغییر اقدار عمل می کنند. در واقع کنش افراد نتیجه تغییر است که
بر بیان روابط متقابل از عمل هر یک به عمل هر یک دارند. قدرت تغییر کنندگان این امکان را برای
کنش فراهم می کنند که در موقعیهای مختلف با تغییری که از عمل طرف مقابل صورت می دهد، کنش
را انجام دهد.

به گاه مکتب کنش متقابل جامع دیگری نیست جز مجموعه از افرادی که براساس تغییرهای که از اعمال کنش
در دهند، رفتار مناسب متقابل را انجام می دهند و به این ترتیب آنان موجود خلاق را آفریننده
هستند که می تواند صوره با تغییر و تغییر مجدد موقعیها جامع را به وجود آورد.
بنابراین این نوع کنش است.

عبارت است از افرادی که با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و این ارتباط را براساس تغییر موقعیت
نادرهای کنش انجام می دهند به این ترتیب از دیدگاه مکتب کنش متقابل جامعه واقعی از پس
یک جامعه صوره و به طور روزمره و در جریان تفاعلات اجتماعی بین کنشگران
و به عبارت دیگر کنشگران است.

کارکرد

کارکردی‌گرایانه و \Leftarrow (functionalism) \Leftarrow به کارایی

جامعه مشابه یک اندک یا ارگانیسم زنده دارای یک وحدت یا انسجام درونی است که این وحدت یا انسجام

نشیمن یا حاصل خدمت و کارکردی است که اجزای یا عناصر نظام به نظام ارائه می‌کنند. در واقع حرکت از نظام‌های

درون نظام اجتماعی از طریق خدمت به نظام ارائه می‌کند. تطابق، انسجام و یکپارچگی و در نهایت تداوم و بقا در نظام

اتصال می‌کنند. بنابراین پیش فرض فکری کارکردی نظام است که این نظام محصول کارکرد متناسب

عناصر یا نهاد‌های درون نظام اجتماعی است.

کارکرد از دید خدمت و

نهادریاست یا دردت: به معنای نظام و اجرای قانون پایایی از نیازهای کارکردی جامعه نظام و قانون می‌باشد

که در جامعه های نوین نهادریاست به شکل دولت می‌باشد.

کارکرد نهاد خانواده و که همان بنایان است.

کارکردی نهاد دین: انسان‌ها نیاز به ارتباط معنوی دارند.

کارکرد نهاد اقتصادی: نظام اجتماعی نیاز به تولید، توزیع و مصرف دارد. که در این کارکرد نهاد اقتصادی این است

که نیاز اقتصادی جامعه را به تولید، توزیع و مصرف کارآمد تأمین کند.

تبيين كلى : تبين پديد در اساس علت پيدايش و علت پيدايش دولت ، چاى اين مسئله است .

تبين كارگرى : عامي نوبه چاى آن پديد وجود دارد ، به دليل بدام وجود دارد و اينكه چاى اين پديد وجود دارد .

قاعده وفاق اجتماعى در پديد گاه كارگرى : قاعده ي حاكم بر جامعه است و اساس وفاق اجتماعى قواعد ، صنفها را

و ارزشهاى مشتركى است كه مبناي رفتارهاى افراد جامعه قرار مى گيرد و همين چارچوبهاى مشترك

بين افراد جامعه پويستى و همبستى ايجاد مى كند .

• مهم ترين چلنده ملتب قضا در جامعه شناختى ^{كارل} هالز ماركس است .

فني و پايشى دولت : يعنى مردم نظام مى كشند دولت از هم بپايزد .

فني و پايشى اجتماعى : يعنى وضعي قاعدي و صنفهاى اجتماعى آن قدر است شود و نتواند وضعيت افراد

جامعه را كنترول كند . نشانه هاى آن را نيز در آمارها آمده مى شود مثل : آمار طلاق - آمار قتل و ...

شديد ترين آيب هاى اجتماعى در كورهاي است كه شديد ترين اجراي اقتصادي در آن جامع است .

افكار عدل و عنوان نيل جامعه ي دولت و اهداف سياسي تأثير مى گذارد .

تأثير فني صفت ي دولت :

نظریه‌های نوین به اصل موضوع نظام اقتصاد است.

کامی عوامل سیستم بودنی و کاربردی هستند که می‌توانند با مقدار در جامعه جز سیستم هستند و خود نظام‌ها کارند.

منزله‌های این داخل نظام است. و منزه‌های این عوامل بودنی می‌باشد.

تغییرات تدریجی:

تغییرات است که تدریج انجام شود و ساختار تغییر می‌کند.

تأملات این ساختار تغییرات است که ساختار تغییر می‌کند و ساختار دیگر فروپاشی می‌شود. اصل تغییر از دولت

نظریه دولت سرمایه داری

بازی تغییر ساختار انتقال می‌آید به زمانی که سیستم و نظام نتواند خود را با عوامل تغییر تطبیق دهد.

س. و نظریه بیگانه‌گی / نظریه رونی و زنی بنا / نظریه مارکس و بارباری وین /

پای زیر بنا و روپنا به همه‌ی جنبه‌های غیرمادی نظام اجتماعی. مثال: دولت / نظام حقوقی

روی تولید به در سرمایه داری به ماشین آلات، ابزار تولید صنعتی

دالیت به زمین، آب و تولید کالای

به‌ی زیر بنا و روپنا به روپنا تا حدود زیادی تابع زیر بنای مادی است.

ی زیر بنا و روپنا به یعنی روپنا تا حدود زیادی (غیرمادی) تابع زیر بنای مادی است یعنی اصطلاح

تظاا صغقر، اظاهر، دولت به تبع تفیر در زیر بنا تفیر می کند به عبارت ریکی شکل خاص رونما تابع شکل خاص زیر بناست.

مارکس می نویسد: این احوال اظاهر که میان نیت کم نیروی زندگی اجتماعی آلمان را بنا یا تعیین می کنند بلکه این نیروی زندگی که میان است که اظاهر آلمان را تعیین می کنند.

یکبار هم عناصر توسعه این است که توان مهدی افیاد جامع در سطح بالایی باشد.

به اساس نظریه مارکس اینده ما چه نوعی کنیم، خواسته ما و انتظاراتمان چیست ناموسی از نیروی زندگی مان است.

من به عنوان خود محصول آن شرایط اجتماعی هستیم که در آن زندگی می کنیم.

باسم مارکس در مورد سوال بالا:

اظهار فقط برای یکبار در طول تاریخ شکل زندگی را تغییر خواهد داد و آن زمانی خواهد بود که طبقه کارگری

بادستیابی به اظهار تاریخی یا خود اظهار تاریخی (یعنی و از طریق جمع کردن و تکرار نیروی خود به عنوان یک

عامل تغییر اجتماعی تظاا سرمایه داری را و نیروی تولید سرمایه داری را نابود خواهد کرد و نوعی جامعه ی

بی طبقه ی سوسیالیستی را جایگزین سرمایه داری خواهد کرد.

تغییر مارکس که می نویسد دولت کمیتی ای اجرای سرمایه داری است. یعنی دولت فقط حافظ و عامل قرارداد

تظاا حقوقی که در خدمت سرمایه داری است می خواهد باشد. دین به عنوان یک نهاد اجتماعی
بی وجه نخواهد داشت. چیزی که مارکس به آن آنگاه کاذب می گوید با فنی داری سرمایه داری
بین می رود. بنابرین آنچه که برای کارکنان شامل تعین قندهک تظاا اجتماعی است نیروهای تولید و سرمایه
بذاری است. و این باعثند که افع جهان بینی را ایجاد می کند.

کارگی بنابرین که یک نظریه ی از بابله یک معتقد سرمایه داری می دانند.
نکته اول: کارکنان معتقد است که کار جوهر آدمی است یعنی انسان جوهر وجود خودش را در کاری که انجام
دهد متوجه می بندد یعنی حاصل کار که می تواند یک کالا یا خدمت باشد.
نکته دوم: تا قبل از سرمایه گذاری بین انسان و کاری که انجام می دهد یعنی محصولی تولید می کرد فاصله
بودند است. انسان کالا تولید می کرد و کالای تولیدی را مستقیماً مبادله می کرد و مورد استفاده قرار می داد
به مبادله می کرد پس فاصله بین انسان و محصول کار انسان وجود ندارد.

نکته دقیق تر بین کار و حاصل کار کاف وجود ندارد. در سرمایه داری کاری که کالای را تولید می کند
به فاصله دارد یعنی کالایی که تولید می کند متعلق به دیگری است نه متعلق به کارگر و حتی کارگر کالای
که می خرد نمی تواند مستقیماً ضد فنی آن را بیاید یعنی فاصله بین کار و محصول کار

در مورد دین ماری کسی می‌تواند کار کرده دارد: اولاً دین از نظر ماری کسی عامل سازگاری و پذیری نیست

شرایط موجود از سوی کارکنان است از طریق ارجاعات به مصروف به سعادت آن جای.

یعنی اگر در این جهان کاری فقیر است اما این عمل زودکی است و این جهان پذیرش حسن کاری

را آسان می‌کنند (بنابر این دین تحلیک بوده است)

کارکرد دوم دین: ماری کسی می‌تواند دین قلب یک دنیا را بی‌قلب است. پناه‌عامی در برابر خشونت واقعیتها

بروز می‌دهد است.

فارس: حیات بر پایه دین و استیلا بر دین

دین سورتیه فاضله بین دستگیر شد به راه مایه و کاندو نولدر شده که در دین افغانی بر شد

هر چه کندین کارگر بیشتر بر سر کندین فاضله دستگیر به کالا با لامی ۱۹۹۱

۱- نقش جامعه شناسی در سیاست گذاری اجتماعی توضیح دهید.

۲- نظریه مبادله را توضیح دهید.

۳- با ذکر نمونه ای تغییر درون سیستم و درون سیستم را از دیدگاه کارکردی تحلیل و شرح دهید.

۴- نظریه صفای بود معروط، کلالج را در جامعه شناسی توضیح دهید.

۵- نظریه تضاد را

۶- مفهوم ارزش افغانی مارکس